



۲۰۱۵/۰۱/۱۷

د. ص. سعید افغانی

یک مانع عمده و اساسی رسیدن به صلح

صلح و رسیدن به صلح و استقرار، رفاه و آسایش خواست و حق ملت و مردم ما، مردم خیر اندیش منطقه و جهان است. اما موانع رسیدن به صلح و استقرار در افغانستان و منطقه کدام ها اند و چطور می توان به صلح عادل، شامل و در شرایط ما مصالحه سیاسی را به مفهوم واقعی کلمه چگونه عملی کرد؟ موانع کدام اند و چرا ما به صلح و استقرار نایل نشدیم؟ عوامل زیاد خواهد بود اما من از همه اولتر به یکی آن که دامنگیر ماست، متمرکز می شوم.

ما منحصت افراد و اشخاص و منحصت گروپ ها، سازمان ها و ائتلاف های سیاسی برای بخش ها و مطالب مختلف کشور و جامعه نسخه ها، برنامه ها، و دیدگاه های خویش را داریم و معتقدیم که به بکار گیری آن می توان جامعه و کشور را به سمت درست و سالم جهت داد و امور را به پیش برده و جهت سالم داد.

اما این برنامه ها، فرمول ها، نتیجه گیری ها و نسخه ها بخاطر رسیدن به اهداف معین در ساحه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه، کشور، منطقه و جهان از جانب همه گروپ ها، سازمان ها، اشخاص و افراد یکسان نیست، روش ها و برخورد ها در موارد مذکور متفاوت اند. چیز ها و مطالب قابل فهم و درک هم می باشند.

یکی رسیدن به جامعه مطلوب، نیک و خیر را در تأسیس امارت اسلامی به فهم و تعبیر خودش از اسلام و امارت اسلامی دانسته و عده مودل های دیموکراسی امروزی کشور های پیشرفته اروپای غربی را و بخش هم مودل امریکا و بخش دیگر هم در بین این مودل های مطروحه به تفاوت های عدید باور دارند و معتقد اند.

این به ذات خویش مشکل نیست و هریک از ما با در نظر داشت شناخت، اندوخته ها، تحصیل، تجارت شخصی و بخش از باور های ما نظر و طرح معین داریم و برای تحقق آن کار می کنیم و این حق ما نیز است.

تا این حد و تا این مرحله اصلاً مشکل اساسی وجود ندارد. ممکن نظر یکی صایب و دیگری هم قسماً و یا کلی خطا باشد. اما اعتقاد اعتقاد است و الله تعالی هم بنده را به کاریکه صادقانه بنده تصور میکند مطابق اوامر الهی است و با صداقت و مطابق فهم و برداشت خویش بعد از جد و جهد متناسب برای درک حق میکند، اگر خطا هم کند انشاء الله، مجازات نه خواهد شد.

به همین علت میگویند مجتهد و اهل رای اگر تلاش خیر برای امری کند و تمام شرایط آنرا دارد و حق را یافت دو ثواب دارد. یکی ثواب تلاش، جد و جهد خیر و دوم ثواب رسیدن به خیر.

اما آنکه تلاش مطابق و متناسب و مطابق شروط کرد و به حق نه رسید، وی صرف ثواب تلاش صادقانه برای رسیدن حق و خیر را انشاء الله بدست خواهد آورد.

با تأسف عده بخاطر نمایش دیموکرات بودن و آزاد اندیش بودن خویش، عدم باور و یقین به نسخه و برنامه خویش را سفارش دارند و تصور میکنند که بهتر و درست است که به راستی خویش باور قطعی نداشت و گویا راستی دیگران را نیز قبول کرد و امکان صحت آنرا رد نه کرد. این سخن به تعبیر درست اما به تعبیر دیگر درست نیست. من به این باورم که انسان باید به سفید بودن سفید خویش باور داشته باشد و چیزی را که سفید میبیند در آن تزلزل نداشته باشد. بحث فلسفی حقیقت و واقعیت مبنی بر اینکه ما آنچه را از دور آب تصور می کنیم آن ممکن سراب باشد و یا دیدن یک رنگ از دور شاید تبلور از چند رنگ باشد به جای خویش باقی است.

اما من برمیگردم به مسأله نسخه با آسان سازی مثلاً امارت اسلامی و دیموکراسی امروزی، مسأله اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد رهبری شده و دهها مورد دیگر که هریک از ما نظر و موضع مشخص و انتخاب خویش را داریم. حتی فهم ما درین مورد در موارد نیم بند و یا هم کامل نیست. مسلماً درین سیاه و سفید از وجود خاکستری و سیاه خیره و سفید تیز و ... نیز در حافظه باید تصور داشت و آنرا نیز از نظر و در حافظه نفیه نه کرد.

سوال مطرح میشود که این بحث را با بحث مصالحه سیاسی و رسیدن به صلح عادل، شامل و جامع چه ربطی است؟ بلی همین جانب قضیه است که در صورت عدم درک درست آن بخش جوانب ذیدخل در قضایای افغانی به مراجع مطالبات خویش را مطرح میکنند که آن مرجع صلاحیت صحت و سقم آنرا ندارد. این امر یکی از موانع اصلی رسیدن به امر صلح و استقرار و عملی نبودن سیاست مصالحه سیاسی در کشور ما شده است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

نتایجی که هم درین ۱۴ سال بدست آمده پیامد های خوبی نداشته، چه طرفیکه به مصالحه سیاسی گردن نهاده در واقعیت تسلیم شده، در عمل از خود بیگانه، و بی هویت شده و تمام امکانات ابتکارات بعدی خویش را از دست داده و در واقعیت در اختیار، اسارت، و پناه و مرحمت جانب مقابل قرار گرفته و عملاً تجرید و حتی کشته شده. در مصالحه سیاسی و مذاکرات برآنچه در ۱۴ سال گذشته و چه هم در مذاکرات قطر و باز کردن دفتر برای حرکت طالبان در آنجا و نحوه ای باز گردن آن و چه در مطالبات اخیر حرکت طالبان از طریق دولت کشور چین از حاکمیت موجود افغانستان و چه در مطالبات جانب افغانی (حاکمیت کابل) حد اقل یک نقطه مرکزی خطا و عدم دقت واحد وجود دارد: این نقطه مرکز خطا درین است که تمام این جوانب مطالبات شان را از مرجع غیر اصلی و غیر مشروع دارند. یکی بر امارت اسلامی پا فشاری دارد و دیگری بر قانون اساسی خویش که جانب مقابل باید آنرا بپذیرد تا مراحل بعدی کار آغاز شود. هر دو مطالبه از دید گاه خود شان منحیث طرح و نسخه برای حل مسایل کشور و جامعه منطقی و درست است، اما مرجع مشروعیت دهنده این مطالبات و نسخه ها این دو و یا سه طرف نیستند. مرجع مشروعیت دهنده ملت است. این ملت است و در شرایط ما ملت مسلمان است که بر مشروعیت اجرای عملی نسخه و فهم ما از دین، از امارت اسلامی و از قانون و قانون اساسی برای تطبیق آن در جامعه صحه گذاشته شود و بعداً برای تطبیق آن دست بکار شد. تأکید بر تأیید آن از جانب مقابل یک تأکید نادرست و یکی از موانع اساسی کار رسیدن به امر صلح دوامدار و استقرار است. چیزیکه تا هنوز درک درست نه شده و در نتیجه جنگ و خانمانسوزی ادامه دارد و مردم بی گناه به علت آن قربانی میدهند.

مسأله و سوال اساسی دیگریکه که مطرح است این است که در صورتیکه تأکید داریم که تا زمانی در یک کشور و جامعه صلح دوامدار آمده نمی تواند تا در آن کشور و جامعه نیرو های واقعی سیاسی همان جامعه در نتیجه سیاسی راه نیابند. مطمئناً این راه یابی باید از ظروف مجاری مشروع و بوده و معامله در غیاب ملت نباشد. یعنی ضرورت است که برای رسیدن به صلح و استقرار، پیشرفت و تعالی وجود نیروهای واقع سیاسی در کشور در نتیجه سیاسی آن تنظیم و جهت داده شود. به این علت هم مصالحه سیاسی بدیل خوبی ندارد و نداشت. باید گفت که قبول اصل ضرورت مصالحه سیاسی به هیچ صورت قبول و عدم قبول برنامه آن جانب دیگر نیست.

درین صورت یک سوال اساسی مطرح میشود: پس نشست و برخاست و تفاهات و مذاکرات طرفین درگیر و یا اطراف درگیر و نیرو های واقعی ذیدخل تحت عنوان مصالحه که منجر به گذشت و قبول اندیشه های یکدیگر نشود به چه مفهوم و به چه هدف باید صورت گیرند؟

ساده است: درین نشست و برخاست و تفاهات تحت نام مصالحه سیاسی نیرو ها و افراد مطرح باید به آن قواعد توافق نمایند که زندگی و مبارزات سیاسی و رسیدن به اهداف سیاسی خویش را متمدن ساخت به نحویکه جهت رسیدن به این اهداف و برنامه ها ضرورت به استعمال قوه نداشته باشیم. به قواعد توافق کرد که انتخاب اصلی، دادن مشروعیت تطبیق این و یا آن نسخه و برنامه حق ملت و به ملت تعلق بگیرد. ملت ما مسلمان است و انتخاب مسلمان در چوکات عقیده اش روشن است.

بلی یک از اهداف مصالحه و مفاهمه سیاسی باید این هم باشد که آنهایکه منافع و مصالح ملت، مردم و ارزش های آنرا و در شرایط ما ارزشهای اساسی اسلامی ملت ما را در نظر نمی گیرند و تخلف از توافقات میکنند میکنند که بر آن توافق شده، به تدریج تجرید شده و توان بازی کردن رول ناجی و مدافع ملت و حاکمیت بر قلب ها را نداشته باشند.

مسلم است که اهداف ما و دیگر جوانب ذخیل در موضوعات کشور ما و اهداف ما جهت رسیدن به امر صلح و اهداف همسایه های دور و نزدیک طماع در موارد فرق میکنند. بخش از مطالبات و خواسته های همسایه ها هم قابل درک اند اما ما باید با اولویت دادن منافع کشور، مردم و ارزشهای مردم خویش به صورت پیگیر، استوار و متین به صورت خستگی ناپذیر به پیش حرکت کرده، ادای رسالت کرد و نگذاریم دیگر مردم و کشور ما به ورطه نابودی و فنا سوق کنند و خود از آن منفعت کسب کنند.

نباید دیگر هم فرصت های طلایی عصر را که زیاد ضایع شد ازین بیش به هدر داد. من باور دارم که درایت سیاسی در مردم کشور ما و نخبگان آن به حد رسیده که دیگر فریب دشمنان را نه خورده و یک مشت و یکپارچه با داشتن سلیقه های متفاوت ادای رسالت نموده و مردم ما هم مانند سایر جوامع متمدن به صلح و استقرار نایل آمده و به زندگی مرفه و آسوده دست یافته می توانند. وما علینا الا البلاغ المبین

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی